

امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس اختراع؛ تأملی تطبیقی در رهیافت‌های حقوق رقابت آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران

ابراهیم رهبری*

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تهران

محمود جعفری چالستری¹

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشکده

حقوق دانشگاه تربیت مدرس تهران

تاریخ پذیرش 1394/10/21

تاریخ دریافت 1393/9/21

چکیده

«امتناع یک‌جانبه» از اعطای لیسانس اختراع خود به دیگری از مقولاتی است که در چارچوب آن موازین حقوق رقابت، امتیازات انحصاری دارنده اختراع را به نحوی جدی به چالش می‌کشد؛ چراکه گاه استنکاف از چنین اقدامی، سبب اخلاف در رقابت می‌شود. یکی از ابعاد چالش‌برانگیز موضوع این است که چگونه چارچوب‌های حقوق رقابت می‌تواند حق مالکیت دارنده اختراع را محدود کند؟ این مقاله در روشی تحلیلی و در نگرشی تطبیقی، می‌کوشد ضمن ارائه تعریفی دقیق از این مفهوم، رویکرد رویه مراجع رقابتی و محاکم و دکترین حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا را که در قالب نظریه‌های مختلفی سعی در توجیه مداخله حقوق رقابت و الزام دارنده به اعطای مجوز بهره‌برداری به بنگاه‌های نیازمند دارند، تحلیل نموده و موضع مبهم قواعد رقابت حقوق ایران را نسبت به این موضوع آشکار سازد. سؤال اصلی این است که امتناع از اعطای لیسانس در چه مواردی ممکن است ضدرقابتی باشد؟ چه معیارهایی برای این امر بیان شده است؟ دیدگاه حقوق ایران چیست و تا چه اندازه به رویه کشورهای پیشگام نزدیک است؟ دیدگاه قانون

* - نویسنده مسئول Rahbarilaw@gmail.com.

1- Mjafarilaw@gmail.com

سیاست‌های کلی اصل 44 در این مورد چیست؟ به همین جهت، این پژوهش با عنایت به فضای خاص رقابتی و فناورانه کشورمان و موازین تثبیت‌شده حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، در جهت برقراری موازنه میان مطالبات بنیادین حقوق رقابت در منع رویه‌های ضدرقابتی از یک‌سو و شناسایی اختیار و حق دارنده اختراع در اعطای لیسانس در جهت توسعه نوآوری‌ها از دیگر سو، راهکارهایی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس، اختراع، حقوق رقابت، لیسانس اجباری، تسهیلات ضروری، سوءاستفاده از موقعیت مسلط.

طبقه‌بندی JEL: K21-K41-K42-L1-L12-D42

مقدمه

دارنده اختراع نسبت به مایملک خود از حقوقی انحصاری برخوردار است که به وی اجازه می‌دهد تا دیگران را از هرگونه بهره‌برداری بدون مجوز از آن‌ها منع کند (ماده 15 قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب 1386) از منظری دیگر دارنده گواهینامه اختراع باید دستاورد فکری خود را به کار گیرد؛ این وضعیت مولود نوعی «قرارداد اجتماعی» بین صاحب حق و جامعه است؛ مبتکران در ازای دریافت امتیازات باید عموم مردم را از حاصل تلاش خود در قالب افشای اطلاعات مربوطه یا تجاری‌سازی دستاورد فکری یا اعطای اجازه استفاده به دیگران منتفع سازند؛ چه خود مخترع شخصاً مایملک خود را وارد عرصه تجارت کند و چه در صورت فقدان امکانات و توانایی شخصی، به سایرین و اشخاصی که بدان نیازمند هستند، اجازه به کارگیری اختراع را بدهد. این فرایند غالباً در قالب قرارداد «لیسانس» (قرارداد اجازه (مجوز) بهره‌برداری) متبلور می‌شود؛¹ اما پرسش اساسی آن است که آیا دارنده حق اختراع ملزم است به

1- در تعریف لیسانس می‌توان گفت که لیسانس مجرای برای اعطای حقوقی به استثنای مالکیت در عرصه اموال فکری است که طی آن دارنده مال فکری - که لیسانس دهنده نامیده می‌شود - به شخص دیگری - که لیسانس گیرنده خوانده می‌شود - اجازه بهره‌برداری از تمام یا بخشی از حقوق فکری خود را مطابق شرایط معین و برای مدت معین و در قلمرو مشخص و با تحدیداتی واگذار می‌کند، بی‌آنکه به‌طور تبعی حق تعقیب و اقامه دعوا علیه لیسانس گیرنده را به سبب نقض حقوق انحصاری خود داشته باشد. (Rahbari, 2013: 140)

هر شخصی مجوز استفاده از حق اختراع را بدهد؟ در نگاه نخست با تأمل در فلسفه اعطای امتیازات خاص به نوآوران، نمی‌توان دارنده اختراع را مکلف به اعطای لیسانس دارایی فکری خود به دیگران دانست؛ اما اگر خودداری از دادن مجوز به رقبا یا متقاضیان غیر رقیب، تعادل رقابتی بازار را بر هم زند یا مانع از توسعه نوآوری‌ها و تشدید رقابت نامشروع شود، آیا امتناع دارنده حق اختراع موجه قلمداد می‌گردد؟ باید توجه داشت که اصولاً در هنگام بروز تعارض میان حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت، کفه ترازو به سمت حقوق رقابت سنگینی می‌کند (صدر ماده 51 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی) اما آیا راهکاری برای برقراری موازنه میان حقوق انحصاری مالک اختراع و دغدغه‌های بنیادین حقوق رقابت در این حیطه وجود دارد؟ در تعبیری کلی، قواعد حقوق رقابت به دنبال رفع هرگونه انحصار هستند و حقوق مالکیت فکری به دنبال توسعه خلاقیت از طریق حمایت انحصاری از مُبدع در مدت معینی می‌باشد. (Ezrachi, 2012: 598) بی‌شک انحصار ناشی از مالکیت فکری مطلوب است؛ ولی این امتیازات قانونی نباید سبب شود که منافع مصرف‌کنندگان و اهداف اساسی حقوق رقابت به مخاطره بیفتند. (Bagheri & Abbasi: 2012, 60) و با وجود این نباید از نظر دور داشت که تمرکز صرف بر اهداف حقوق رقابت و تحمیل اموری به دارنده اختراع سبب کاهش انگیزه‌های نوآوری می‌شود که به نوبه خود سطح رقابت را تنزل می‌دهد. (Sergio, 2001: 409) با واکاوی این دغدغه‌ها، مسئله اصلی نوشتار حاضر آن است که حقوق رقابت تا چه میزان و چگونه می‌تواند اختیار صاحب حق اختراع را در امتناع از اعطای لیسانس محدود سازد؟ چه دیدگاه‌های حقوقی‌ای در این زمینه وجود دارد و کدام یک بهتر می‌تواند موازنه مذکور را برقرار سازد؟ به همین جهت در تحلیل موضوع ابتدا در گفتار نخست، مفهوم «امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس»¹ را تبیین می‌سازیم و در گفتار دوم، خودداری از اعطای لیسانس را در پرتو موازین حقوق رقابت و با امعان نظر خاص به نظریه‌های رایج این حوزه در حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، بررسی کرده² و در گفتار سوم، شاهد لیسانس اجباری به عنوان ضمانت اجرای امتناع ناموجه از دادن مجوز بهره‌برداری خواهیم بود و در گفتار پایانی به

1- Unilateral refusal to license

2- علت پرداختن به موضع این دو سیستم حقوقی این است که آن‌ها به عنوان پیشگامان حوزه مالکیت فکری و حقوق رقابت، نسبت به تحلیل موضوع در دکتترین و رویه قضایی خود، از رهیافت‌ها و روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند.

تحلیل موضع حقوق ایران در این زمینه خواهیم پرداخت.¹

گفتار اول: مفهوم امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس

در برداشتی موسع انعقاد هر قراردادی با یک طرف، نوعی «امتناع از انجام معامله»² با دیگری (رقیب) به شمار می‌رود؛ اما بی‌تردید چنین تلقی گسترده‌ای از موضوع مطمح نظر نیست، بلکه جایگاه بحث و وضعیتی است که صاحب حق اختراع تمایلی به اعطای لیسانس به سایر بنگاه‌ها ندارد. امتناع از انجام معامله را می‌توان در قالب «امتناع یک‌جانبه»³، «امتناع مشروط»⁴ و «امتناع جمعی» تقسیم کرد. (Christophe, 2005: 2) در امتناع جمعی دارنده حق اختراعی با سایر دارندگان اموال فکری توافق می‌کنند تا به شخص خاصی مجوز اعطا نکنند و در واقع وی را تحریم (بایکوت) نمایند که بی‌تردید این توافق جمعی، اقدامی ضد رقابتی انگاشته می‌شود. (قسمت 1 بند الف ماده 45 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44)، اما اصولاً حقوق رقابت متعرض مقوله انتخاب طرف قرارداد نمی‌شود؛ در واقع یک قرارداد صرف بین دو بنگاه، می‌تواند نوعی «بایکوت کردن» دیگری قلمداد شده و از دیدگاه حقوق رقابت نامشروع جلوه کند؛ ولی چنین نگرشی نتیجه تفسیری بسیار موسع از موضوع بوده و دیوان عالی کشور آمریکا نیز صراحتاً آن را رد کرده است. (Ezrachi, 2012: 612-17) امتناع مشروط نیز غالباً در قالب «قراردادهای پیوندی»⁵ متبلور می‌شود به این ترتیب که اعطای لیسانس حق اختراع منوط به خرید یک کالای غیر مرتبط یا اخذ مجوزی غیرمتناسب با

1- در زمینه ادبیات موجود می‌توان به مقاله ای تحت عنوان «تحلیل رقابتی امتناع از صدور مجوز بهره‌برداری از حقوق آفرینشهای فکری» نوشته میرقاسم جعفرزاده و سوده نوری اشاره کرد که مقاله ای مستخرج از پایان نامه دکتری می‌باشد و توسط نویسنده اخیر در دانشگاه آزاد اسلامی دفاع گردیده است. با این حال، مقاله پیش رو از این جهت دارای ابتکار است که نخست در کنار بیان نظریات جدید در حقوق کشورهای پیشگام، رویه قضایی و آراء جدید را نیز مطرح کرده است؛ دوم آنکه این مقاله جنبه‌ی انتقادی داشته و بعضی از دیدگاه‌های نویسندگان محترم مذکور را به‌ویژه نسبت به رویکرد حقوق ایران مورد نقد قرار داده است؛ ثانیاً نوشتار حاضر دکرین‌های موجود را به تفکیک در سیستم‌های حقوقی مختلف تشریح و تحلیل کرده و رویکرد قابل اعمال را در پرتو موازین کنونی حقوق ایران بیان داشته است.

2- Refusal to deal.

3- Collective

4- Conditional.

5- Tying agreements

لیسانس اصلی می‌شود که در موارد و شرایطی خاص، رویه‌ای ضد رقابتی محسوب می‌گردد. (Jafarzadeh & Rahbari, 2011: 252-255) اما موضوع این مقاله امتناع یک‌جانبه است؛ یعنی شرایطی که طی آن دارنده اختراع بدون آنکه توافقی با سایرین کرده یا اعطای لیسانس را مشروط به تحقق امری نموده باشد، حسب میل خود از اعطای مجوز بهره‌برداری به دیگران خودداری می‌کند. مفهوم امتناع از لیسانس به شرایطی که دارنده اختراع بدون اقامه دلیل موجهی در اعطای لیسانس، تأخیر بی‌مورد و درازمدتی کرده یا شرایطی دشوار و غیرمعقول برای انعقاد قرارداد لیسانس تعیین می‌کند نیز تعمیم می‌یابد. (Haracoglou, 2008: 123) اجتناب از اعطای لیسانس ممکن است «از ابتدا»¹ یا با «قطع تعاملات تجاری موجود»² باشد. به‌طور کلی بین این دو حالت از نظر پیامدهای رقابتی، تفاوتی وجود ندارد؛ هرچند برخی صاحب‌نظران باور مخالفی داشته و معتقدند امتناع نخستین از انجام معامله با احتمال بیشتری در تضاد با موازین رقابتی قرار می‌گیرد؛ زیرا خاتمه دادن به روابط قراردادی، مسلماً باید مقرون به یک مبنای موجه قانونی باشد، در غیر این صورت اثری بر آن بار نبوده یا مسئولیت عهدشکن را در تعاقب خواهد داشت. (Jonathan, 2012: 2) از سوی دیگر برخی بر این باورند که قطع تعاملات مبتنی بر لیسانس در کوتاه‌مدت، اخلال بیشتری در رقابت مؤثر ایجاد می‌کند؛ اما این عقیده صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چراکه این امر از وظایف حقوق رقابت نیست تا به‌بنگاهی که نمی‌تواند وضعیت قراردادی مستقر و مطمئنی برای خود ایجاد کند، مساعدت نماید؛ بنابراین، قواعد رقابتی یکسانی در خصوص عدم ادامه قرارداد و رد درخواست دسترسی برای نخستین بار اعمال می‌شود. (Christophe, 2005: 8-9)

گفتار دوم: تحلیل موضوع در پرتو نظریه‌های مطروحه

اگرچه حمایت از دارایی‌های فکری یک ضرورت انکارناپذیر است، اما نباید از این نکته غافل شد که غایت اصلی حمایت از آنها، توسعه نوآوری و ارتقای رشد و کارایی اقتصادی و تأمین حقوق مصرف‌کنندگان بوده که حقوق رقابت نیز از مجرای اعمال موازین خود، درصدد تحقق آنها -البته به شیوه خاص خود- برآمده است. از این رو باید نوعی موازنه میان ضرورت حمایت از

1- First refusal to deal (license).

2- Termination.

اختراعات و نوآوری از یک‌سو و حفظ ساختارهای رقابتی بازار از سوی دیگر برقرار کرد. (Marina, 2000: 213,251) اصل اولیه آن است که هیچ‌یک از قواعد حقوق رقابت و مقررات مالکیت‌های فکری، به صاحب حق اختراع الزامی به در اختیار قرار دادن مایملک خود به دیگران، تحمیل نمی‌کنند. این اصل همواره مورد احترام بوده، اما اینکه در چه شرایطی قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد، همواره موضوع مناقشات دامنه‌داری بوده است. (Kurt, 2002: 14.) در تحلیل مسئله و توجیه امکان، ضرورت و نحوه مداخله حقوق رقابت در مسئله امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس و تعیین معیارهای ضد رقابتی تلقی کردن این اقدام، در حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا که در این عرصه پیشرو هستند، دیدگاه‌های مختلف و گاه متعارضی مطرح شده است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

مبحث اول - سوءاستفاده از موقعیت مسلط

ماده 2 «قانون شِرمَن» آمریکا¹ و ماده 102 «معاهده لیسبون» اتحادیه اروپا،² «سوءاستفاده از موقعیت مسلط»³ را نوعی اقدام ضد رقابتی قلمداد می‌کنند. دیوان دادگستری اروپا در تعریف موقعیت مسلط، آن را وضعیتی می‌داند که حسب آن، یک بنگاه تجاری به واسطه موقعیت برتری که در بازار دارد، قادر است تا مستقل از نیروها و تزییقات رقابتی معمولی که بنگاه‌های تجاری در بازار با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عمل نموده و مانع از رقابت مؤثر و کارا شده و به این ترتیب، حقوق رقبا و مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر تصمیمات خود قرار دهد. (Motta, 2004: 34) اما پرسش اینجاست که آیا عدم اعطای لیسانس، نوعی سوءاستفاده از حق یا موقعیت مسلط محسوب می‌شود؟ به طور کلی در قرن 19 محاکم آمریکا در اجرای قواعد حقوق رقابت در حیطه اموال فکری با تردید برخورد می‌کردند و صاحبان این دست‌داری‌ها را دارای حق مطلق می‌پنداشتند. با شروع قرن 20 این دیدگاه رواج یافت که اصولاً شخصی که متحمل هزینه و ریسک «تحقیق و توسعه» شده است، تکلیفی به تسهیم دستاوردهای خود با رقبا ندارد. این رهیافت، نخستین بار در

1- The Sherman Antitrust Act 1890.

2- Treaty of Lisbon 2007.

3- Abuse of dominant position.

پرونده *SCM Corp. v. Xerox Corp.* در سال 1981 مطرح شد. (Nguyen, 2010: 11) با شروع قرن 21 تصمیمات مراجع ذیصلاح با تغییرات جزئی از همین رویه تبعیت کرده‌اند؛ اما اکراه بسیار زیادی در ضدرقابتی دانستن این اقدام داشته‌اند؛ برای نمونه دادگاه منطقه‌ای آمریکا در پرونده *CSU v. Xerox Corp.* در سال 2000 بیان داشت که در صورت عدم وجود توافقات پیوندی غیرقانونی یا اعمال تقلب مرتبط با حق اختراع، دارنده می‌تواند حقوق قانونی خود را مبنی بر منع دیگران در استفاده از مایملک خود، مبری از هرگونه مسئولیت رقابتی، اعمال نموده و الزامی به دادن مجوز بهره‌برداری به سایرین ندارد. (Drexler, 2008: 220) مقررات حقوق آمریکا نیز تا حدود زیادی با این رهیافت تناسب دارند: بند (د) ماده 271 «قانون حق اختراع» 1988 آمریکا¹ بیان می‌دارد: «صاحب حق اختراع محکوم به سوءاستفاده یا افزایش غیرقانونی حق اختراع به دلایل زیر نخواهد بود: ...4- امتناع از لیسانس یا امتناع از استفاده از حق اختراع (عدم استفاده)» (Bolante, 2004: 76). البته تفسیر دیگری در مورد این ماده از سوی برخی حقوق‌دانان آمریکایی ارائه شده که کوششی برای تعدیل رویکرد مطلق‌گرای آن انگاشته می‌شود: عدم استفاده صرف از حق اختراع، سوءاستفاده از حق نیست، اما در شرایطی که عدم استفاده به انحصار غیرمعقول در بازار منجر شود، اعمال ضوابط حقوق رقابت موجه می‌نماید (Nguyen, 2010: 33). در تفسیری صحیح‌تر باید اذعان داشت که مسئله منع سوءاستفاده از حق اختراع که موضوع این ماده است، اصولاً به حیطه حقوق رقابت تعلق ندارد و ناظر به نظریه سوءاستفاده از اختراعات می‌باشد که از جلوه‌های مهم تعامل حقوق مالکیت فکری با حقوق رقابت محسوب می‌گردد؛ به‌علاوه از نظر تاریخی کنگره آمریکا نه تنها به ابعاد رقابتی موضوع عنایت نداشته، بلکه به‌صورت خاص آن را نفی کرده است. (Marina, 2000: 209) مراجع رقابتی آمریکا همسو با این رهیافت در سال 2007 گزارشی منتشر و در آن تصریح کرده‌اند که امتناع مشروط از اعطای لیسانس، می‌تواند پیامدهای ضدرقابتی به همراه داشته باشد و مبنای موجه خود را ماده 2 قانون شرمین و سوءاستفاده از موقعیت مسلط قرار داده‌اند ولی امتناع یک‌جانبه صرف را از شمول رویه‌های ضدرقابتی خارج دانسته‌اند. (American Bar Association, 2010: 83)

در اتحادیه اروپا پاره‌ای صاحب‌نظران امتناع از اعطای لیسانس را مترادف با سوءاستفاده از

1- Patent law Act.

موقعیت مسلط می‌دانند؛ (Max Planck Institute, 2009: 167) در حالی که بی‌تردید صرف استنکاف، در تحقق این مفهوم، کفایت نمی‌کند و این امر باید مقرون به شرایط دیگری باشد. (Dinwoodi, 2008: 212) در پرونده معروفی¹ تصریح شده است برای اینکه رفتاری سوءاستفاده از موقعیت مسلط قلمداد شود، باید خودداری از واگذاری لیسانس، مربوط به محصولاتی باشد که برای جریان بازار و رقابت ضروری بوده و مانع از ظهور محصولات جدیدی شود که افزایش رفاه مصرف‌کنندگان را در پی دارد. (Denicolo, 2012: 129) در سال 2009 اتحادیه اروپا اصول راهنمایی در خصوص اعمال ماده 102 معاهده رم نسبت به رفتارهای انحصارگرایی مقرون به سوءاستفاده از موقعیت مسلط منتشر کرده که در آن اشاره شده که اگر امتناع از اعطای لیسانس مخل رقابت مؤثر بوده یا دستیابی به اختراع موضوع لیسانس دارای اهمیت رقابتی چشمگیری برای بنگاه‌های فعال در بازار مربوطه باشد، با جمع سایر شرایط، می‌توان آن را نوعی سوءاستفاده از موقعیت مسلط محسوب نمود. (Soko, 2012: 33)

مبحث دوم - قاعده معقولیت (قاعده معقول و متعارف)

مطابق این قاعده² که هم در حقوق آمریکا و هم در اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته شده است، مراجع قانونی به ارزیابی دقیق و عمیق توافقات پرداخته و با تأمل در آثاری که محدودیت به سود رقابت و افزایش کارایی بازارهای تجاری دارد و همچنین نتایج سوء و هزینه‌های غیرمتعارفی که احتمالاً متوجه فرایند رقابت و تجارت خواهد کرد، به داوری می‌نشینند. اگر کفه میزان به سمت آثار ضدرقابتی سنگینی کند و هزینه توافق برای رقابت بیش از مزایایی باشد که نصیب بازار

1- RTE & ITP v. Comm'n (Magill), 1995. Joined Cases C-241, 242/91P.

2- «قاعده معقولیت (Rule Of Reason) برای ارزیابی رقابتی محدودیت‌ها، توافقات و اعمال یک‌جانبه که احتمال دارد در رقابت اخلال ایجاد نمایند، اما تحت عنوان قاعده «فی نفسه» (Per Se) (ذاتاً باطل) قابل بررسی نیستند، به کار می‌رود. پرسش اصلی در زمان اجرای این قاعده این است که آیا جنبه‌های مثبت عملی (مانند افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و رفاه مصرف‌کننده) از پیامدهای منفی این عمل سنگین‌تر است یا خیر؛ برخلاف قاعده فی نفسه، در اجرای این قاعده، بررسی جامع که مشتمل بر مسائل حقوقی، بازاری و عینی باشد، لازم است تا مشخص شود که آیا این عمل ناقض قواعد می‌باشد یا خیر تا با نظر گرفتن تمام جوانب سعی می‌شود، با اقدامات صورت گرفته تا حد ممکن واقع‌بینانه برخورد شود. (Jafari Chaleshtori, 2015: 82)

می‌شود، ترتیب مذکور، به موجب قاعده معقولیت، محکوم به بی‌اعتباری است. (Jafarzadeh & Rahbari, 2011, 219) به نظر می‌رسد با توجه به قلمرو و سابقه اجرایی این قاعده، برای توجیه ضد رقابتی انگاشتن خودداری از اعطای لیسانس، نمی‌توان بدان تمسک جست؛ چراکه ظاهراً این قاعده عمدتاً در مورد توافقات میان حداقل دو طرف که حاکی از وقوع یک فعل مثبت است، اعمال می‌گردد و به امتناع از اعطای لیسانس که نوعی «ترک فعل» به شمار می‌آید، تسری نمی‌یابد. با وجود این دادگاه فدرال آمریکا در رأی جدید¹، اگرچه ادعای وجود اثرات ضد رقابتی امتناع از اعطای لیسانس اختراع را رد کرده، ولی در نیل به این نتیجه تا حدود زیادی به قاعده معقولیت تکیه کرده است. (Cass, 2013: 264)

مبحث سوم - معیار قصد محروم کردن رقبا

قصد محروم کردن، معادل حفظ یا کسب عامدانه قدرت انحصاری از طریق به حاشیه راندن رقباست. در سال 1997 برای اولین بار دادگاه آمریکایی در پرونده Eastman Kodak Co. v. Southern Photo Materials Co. به این معیار توجه کرد. در این قضیه خواننده از فروش عمده محصولات به یک خرده‌فروش خودداری کرده بود. دادگاه در این پرونده رأی داد که امتناع شرکت «کوداک» از فروش کالای خود به خرده‌فروشان به قیمت عادلانه، به هیچ‌انگیزه دیگری جز ایجاد انحصار صورت نگرفته است. بر این اساس، بنگاه‌ها آزادند تا به صلاحدید خود با هر شخصی که تمایل دارند معامله کنند، اما «امتناع از انجام معامله» (و نه اعطای لیسانس) با اشخاصی که با رقبا در تعاملات تجاری هستند، نوعی اقدام برای انحصارگرایی و تضعیف موقعیت رقبا انگاشته می‌شود. (Bolante, 2004: 46-47) اگرچه این رأی در خصوص «کالا» هاست، ولی برخی از مبنای آن استفاده کرده و موضوع را به دارایی‌های فکری نیز تعمیم داده‌اند. مطابق این شاخص، دادگاه به ارزیابی ذهنی انگیزه صاحب حق اختراع می‌پردازد؛ فرایندی که خود منجر به نوعی بلا تکلیفی و عدم اطمینان در حصول نتیجه می‌شود. (Nguyen, 2010: 114) به طوری کلی باید پذیرفت اگر کنکاش در قصد و انگیزه ذهنی و درونی دارنده اختراع مجاز باشد، دیگر هیچ

1- Princo Corp. v. International Trade Commission, No. 07-1386 (Fed. Cir. Aug. 30, 2010)

مالکی نمی‌تواند بدون عیان ساختن انگیزه‌اش که راستی آزمایی آن خود یک دادرسی جداگانه می‌طلبد، از واگذاری لیسانس طفره رود. (Gleklen, 2001: 9) به‌علاوه باید در نظر داشت که توسل به شاخص‌های ذهنی با تحلیل‌های رقابتی مدرن و تثبیت‌شده که مبتنی بر توجه به شواهد و طریقه اثرگذاری عینی رویه‌ها بر بازار هستند، همخوانی ندارد. (Lennon, 2007: 84) از همین روست که این نظریه مقبولیتی در حقوق رقابت نیافته است.

مبحث چهارم - نظریه‌های تسهیلات (الزامات) ضروری¹ و شرایط استثنایی²

نظریه تسهیلات ضروری به‌عنوان استثنایی بر مشروعیت رقابتی امتناع از انجام معامله یا اعطای لیسانس، مطرح شده است. تسهیلات و زیر ساخت‌هایی که رقبا بدون دسترسی به آن‌ها نمی‌توانند خدمات و کالاهای مورد نیاز خود را به مصرف‌کنندگان برسانند، تسهیلات ضروری نام دارد. (Ebrahimi & Jafari Chaleshtori, 2015: 374) مطابق محتوای این نظریه لازم است که یک شرکت کنترل منابع نادری را در دست داشته و از کنترلش بر این تسهیلات در جهت خارج ساختن رقبا بالقوه یا بالفعل از گردونه رقابت استفاده نماید.

به‌منظور اجرای این نظریه اثبات این موارد ضروری است: **1-** کنترل تسهیلات ضروری و منابع به‌وسیله بنگاه انحصارگرا؛ **2-** امتناع از در اختیار گذاشتن تسهیلات به رقبا؛ **3-** عدم توانایی عملی و معقول رقبا در دستیابی به تسهیلات مزبور از طرق دیگر؛ **4-** سهولت در اختیار دادن تسهیلات به رقبا. (Takagi, 2008: 155) این نظریه ریشه در آموزه‌های حقوق آمریکا دارد و نخستین بار در مورد لزوم دستیابی رقبا تجاری به منابع زیربنایی از جمله بنادر و راه‌ها مطرح شد و اکنون نیز غالباً در بخش‌های انرژی، ارتباطات و حمل‌ونقل قابلیت اعمال دارد، ولی به دلیل وحدت مبنا، به موقعیتی که شخصی دارایی‌های فکری مورد نیاز دیگران را در اختیار داشته و از اعطای لیسانس به آن‌ها امتناع می‌ورزد، نیز تسری یافته است. (Colston, 2010: 435) با وجود این رویه غالب در حقوق آمریکا آن است که باید میان امتناع از اعطای لیسانس و ممانعت از دستیابی به تسهیلات ضروری به‌عنوان رفتارهای ضد رقابتی تفاوت قائل شد (Meléndez-Ortiz, 2009: 364) بر همین

1- Essential facilities doctrine/ Monopoly leveraging doctrine/ Bottleneck principle.

2- Exceptional circumstances.

اساس مراجع قانونی همواره و به نحو قابل ملاحظه‌ای، به اجرای نظریه نسبت به اموال فکری رغبتی نداشته‌اند. (Govaere, 2007: 191) به تعبیر دیگر، هر چند این موضوع که استنکاف از اعطای لیسانس گاه در شرایط استثنایی منجر به اخلاف در رقابت می‌گردد، پذیرفته شده، ولی دادگاه‌ها اکراه زیادی در به رسمیت شناختن آن و اجرای نظریه دارند؛ (Kur, 2011: 191; Roffe, 2012: 191) برای مثال در پرونده‌ای¹ دادگاه درخواست بنگاهی را که خواهان دسترسی به اطلاعات راجع به اختراعی در خصوص ریزپردازنده‌های «شرکت اینتل»² به عنوان تسهیلات ضروری بود، به سبب آنکه بنگاه مزبور رقیب اینتل محسوب نمی‌شد، رد کرده و اجرای نظریه را به فرض امکان و با احراز شرایط بسیار خاص، محدود به روابط میان رقبا دانست. (Czapracka, 2009: 65).

با وجود این، اخیراً تغییر موضع نامحسوس و بسیار محتاطانه‌ای در حقوق آمریکا در این خصوص به وقوع پیوسته است. استناد به نظریه تسهیلات ضروری به نحو اجمالی و مبهمی ابتدا در پرونده مشهور Trinko در سال 2004 مطرح شد. دیوان عالی کشور آمریکا، در این قضیه بر این باور بود که باید پیامدهای امتناع را بر مصرف‌کنندگان و روند رقابت سنجید نه اثری که چنین ترک فعلی بر رقبای مستقیم دارد؛ زیرا دارنده اختراع حقی انحصاری دارد که فی‌ذاته منافاتی با قواعد رقابتی ندارد. به این ترتیب، اگرچه دیوان نهایت کوشش خود را به کار بسته تا از شناسایی نظریه خودداری ورزد تا بدین منوال حقوق انحصاری دارنده و انگیزه‌های نوآوری تحت الشعاع قرار نگیرد، ولی از سوی دیگر به طور ضمنی و غیرصریح، بر این باور بوده است که نامشروع خواندن اجتناب از اعطای مجوز بهره‌برداری در شرایط بسیار استثنایی مجاز می‌باشد، هر چند شاخص و معیارهای دقیقی برای احراز آن ارائه نموده است. (Brown, 2013: 96-97)

در گزارشی که در سال 2007 کمیسیون فدرال تجارت آمریکا منتشر کرده، به صراحت اظهار داشته است که مسئولیت رقابتی قائل شدن برای امتناع از اعطای لیسانس، چیزی جز مساعدت مستقیم به رقبا نیست که با اهداف حقوق رقابت مغایرت داشته و همچنین با غایت اساسی از اعطای حقوق انحصاری به مخترع نیز همسویی ندارد؛ ولی در عین حال پیشنهادهایی برای محدودتر کردن

1- Intergraph Corp. v. Intel Corp., No. 98-1308, 1999 U.S. App. LEXIS 29199 (Fed. Cir. Nov. 5, 1999).

2- Intel Corporation.

دارنده حق اختراع و اصلاح این نظام مطرح می‌کند تا دغدغه‌های رقابتی حاصل از استتکاف از لیسانس، به ابتکار درونی خود نظام اختراعات کاهش یابد و ضرورتی به مداخله بیرونی حقوق رقابت نباشد. (Czapracka, 2009: 68-70)

برخلاف موقعیت متزلزل و مبهمی که نظریه در حقوق آمریکا دارد، جایگاه آن در اتحادیه اروپا قابل توجه و اثرگذار بوده (Hagenfeldt, 2011: 5) و هرچند رویه‌ی موجود صراحتاً از آن نام نمی‌برد، ولی مفاد آن را به مورد اجرا گذاشته است. (Park, 2010: 61) برای نخستین بار، در سال 1988 در پرونده معروف Volvo این نظریه مجال خودنمایی پیدا کرد. در این پرونده دادگاه با تصریح به لزوم جمع شرایط خاصی، مسئولیت رقابتی برای امتناع از معامله قائل شد. نظریه «شرایط استثنایی» در تعبیری، شکل روزآمد و توسعه‌یافته نظریه تسهیلات ضروری است که در قلمرو دارایی‌های فکری اعمال شده و به تدریج در حقوق اتحادیه اروپا در حال تثبیت می‌باشد. این نظریه نیز نخستین بار به طور صریح در پرونده معروف Magill v. IMS در دیوان دادگستری اروپا مطرح گردید. (Stothers, 2007: 245)

با توجه به آخرین تحولات رخ داده در رویه اتحادیه اروپا و تحلیل‌های حقوق‌دانان، ضدرقابتی انگاشتن امتناع از اعطای لیسانس، منوط به تحقق این شرایط می‌باشد: **1-** امتناع ناظر به یک دارایی فکری است که برای تحقق رقابت دستیابی به آن ضروری است و هیچ جایگزین بالقوه یا بالفعلی برای آن وجود نداشته باشد؛ **2-** با خودداری از دادن مجوز، دارنده مانع از بهبود کمی و کیفی محصولات می‌شود، به نحوی که نمی‌توان تقاضای بازار را برآورده ساخت؛ یا اینکه امتناع مانع از ظهور محصولات جدیدی می‌گردد که مشتریان بالقوه دارد و این امر سبب لطمه به رفاه مصرف‌کنندگان می‌شود؛ **3-** از طریق امتناع، دارنده قصد دارد موقعیت مسلط خود را به بازارهای مستقل دیگری تعمیم دهد؛ **4-** هیچ دلیل عینی موجهی برای امتناع وجود نداشته باشد. (Hilty, 2014: 137; Couter, 2008: 113)

مراجع ذیصلاح عمدتاً این چهار شرط را تفسیر موسع کرده‌اند تا به مسئولیت دارنده اختراع منجر شود. (Wilko, 2012: 17-49) برای مثال، ملاک این نیست که امتناع قطعاً و آشکاراً مانعی بر سر تولید محصولات نوآورانه جدید شود، بلکه همین که با احتمال معقولی به چنین نتیجه‌ای منجر شود، کفایت می‌کند. (Osterud, 2010: 230) افزون بر این، توجیه عینی به این معناست که مالک اختراع باید اثبات نماید که منافع شخصی‌اش در پرتو لزوم حمایت از حقوق انحصاری، از

فواید حاصل برای جریان رقابت در اثر الزام به اعطای لیسانس، از اهمیت افزون‌تری برخوردار است. (Pace, 2011: 58)

در برخی آراء نسبتاً جدید¹ در اتحادیه اروپا تصریح شده است که اگر شرایط بازار و سیاست‌های نوآوری به گونه‌ای باشد که بنگاهی را از اعطای لیسانس دارای فکری خود باز دارد، مراجع قانونی نباید دارنده را به همکاری با رقبا مجبور سازند. (Brown, 2013: 87) در پرونده معروف «مایکروسافت»² نوع مواجهه مراجع مربوطه و تفسیر آن‌ها از این معیارها مشهود است: کمیسیون اروپا در سال 2004 مایکروسافت را ملزم به افشا و در اختیار گذاشتن اطلاعات راجع به برخی پروتوکول‌های سیستم عامل خود به پاره‌ای شرکت‌های اروپایی که برای طراحی و تولید محصولات مرتبط با سیستم عامل ویندوز، نیاز مبرمی به این اقلام فکری داشتند، کرده و عدم اعطای مجوز را لطمه به جریان رقابت محسوب داشت. در برابر، مایکروسافت آن‌ها را «اختراع» و «سرار تجاری» معرفی می‌کرد که با عنایت به طبع انحصاری خود، الزامی به در اختیار گذاشتن آن‌ها به رقبا نمی‌دید و به این تصمیم اعتراض کرد. افزون بر این مایکروسافت اصرار داشت رویه-ی اتحادیه و تکلیف به همکاری با رقبا سبب می‌شود فرایند افزایش کارایی و رقابت پویا متوقف شده و انگیزه برای نوآوری به تدریج رنگ ببازد؛ ولی دیوان دادگستری اروپا دقیقاً به اتکا همین دغدغه‌ها استدلالات مایکروسافت را به چالش کشید: این مرجع در سال 2007 نظر کمیسیون اتحادیه را تأیید و مقرر کرد اقدام مایکروسافت نه تنها زمینه رقابت را از بین می‌برد، بلکه به توسعه فناورانه نیز که یکی از اهداف اتحادیه است، لطمه جدی وارد می‌سازد؛ در حالی که توجیحات مایکروسافت در استنکاف از اعطای لیسانس، مبتنی بر شواهد عینی و قابل قبولی نیست. (Kokkoris, 2010: 11-12) مضاف بر این، مایکروسافت اظهار می‌داشت که برخلاف دیدگاه کمیسیون، صرف احتمال آنکه اقدامی به محور رقابت بینجامد، کافی نیست و باید دلایل عینی برای لطمه قطعی ارائه شود که دیوان این رهیافت را نیز نفی و به صرف احتمال معقول وقوع اخلال در رقابت بسنده کرد. (Monti, 2007: 230)

1- Sot. Lelos kai Sia EE and others v GlaxoSmithKline A EVE Farmakeftikon Proionton (Joined Cases C-468/06 to C-478/06, 2008).

2- CFI, Case T-201/04, Microsoft Corp. v Commission, ECR [2007] II-3601.

گفتار سوم: لیسانس اجباری: راهکار مقابله با امتناع از اعطای لیسانس

به فرض احراز ضدرقابتی بودن امتناع از اعطای مجوز، از منظر منافع عمومی، مهم‌ترین و مناسب‌ترین راهکار مقابله با چنین وضعیتی، الزام دارنده اختراع به انعقاد قرارداد لیسانس و صدور مجوز اجباری¹ بدون دخالت و رضایت صاحب اختراع می‌باشد. چنین راه‌حلی نوعی محدودیت بر اصل آزادی قراردادی و حقوق انحصاری دارنده اختراع محسوب می‌گردد. (Eleanor, 2007: 633; Kurt, 2002: 64).

در حقوق آمریکا صدور لیسانس اجباری در پنج وضعیت جایز شمرده شده که یکی از موارد آن در موقعیتی است که صاحب حق اختراع در فعالیت‌های ضد رقابتی شرکت می‌کند. (Carol, 2007: 512-534) با وجود این، دیدگاه غالب آن است که امتناع از اعطای لیسانس در گستره آن جای نمی‌گیرد و تلاش‌های مداومی که صورت گرفته تا اموال فکری تابع رژیم لیسانس اجباری شود، با مقاومت‌های سختی مواجه شده و معمولاً محاکم هیچ‌گونه مسئولیتی برای خودداری از اعطای لیسانس قائل نیستند؛ حتی اگر بنگاه دارنده اختراع، از این مجرا در پی افزایش قدرت انحصاری خود باشد. (Herbert, 2006: 43) به‌عنوان مثال در تصمیمی که در پرونده «زیراکس» گرفته شد - و در مبحث نخست گفتار دوم به آن اشاره شد - دادگاه صراحتاً اشعار داشت که صاحب اموال فکری اجباری به دادن لیسانس مایملک خود ندارد. (Carol, 2007: 512) کمیسیون تجارت فدرال آمریکا در قضیه دیگری² بر مبنای نظریه تسهیلات ضروری، نظر به صدور لیسانس اجباری داشت؛ اما دادگاه تجدیدنظر فدرال آمریکا به دلیل آنکه برداشت نهاد مزبور را از اعمال ضدرقابتی، خلاف قواعد تثبیت شده و دور از اصول خواند، این تصمیم را ملغی ساخت. (Marsden, 2006: 410) در مورد مشابه دیگری کمیسیون تجارت فدرال در سال 2007 در تصمیمی، بنگاهی را که از اعطای لیسانس در مورد اختراعات حافظه‌های رایانه به دیگران امتناع می‌کرد را در مقام سوءاستفاده از موقعیت مسلط و نقض ماده 2 شرمین انگاشت و شرکت مزبور را با ضمانت اجرای لیسانس اجباری مواجه ساخت. هرچند این تصمیم نیز متعاقباً در دادگاه

1- Compulsory license.

2- Official Airline Guides, Inc. v. FTC, 630 F.2d 920, 925-26(2d Cir. 1980).

تجدیدنظر فدرال رد شد¹ اما از تمایل نسبی مراجع رقابتی (در یک برهه زمانی خاص) به حفظ تعادل رقابت در بازار با به کار بستن این تمهید مؤثر حکایت دارد.

اخیراً تحرکاتی به وقوع پیوسته که قرینه‌ای بر انعطاف جزئی رویه قضایی در صدور لیسانس اجباری - به مثابه تمهیدی برای مقابله با عدم اعطای لیسانس - محسوب می‌شود؛ به باور برخی صاحب‌نظران، باید این راهکار را تحت شرایطی خاص و استثنایی مجاز شمرد. نیاز جدی متقاضی به لیسانس اجباری، عدم استفاده صاحب اختراع از آن، عدم وجود دلیل تجاری مشروع برای مالک در امتناع از اعطای لیسانس و نهایتاً اینکه لیسانس اجباری تنها راه حل معقول و موجود برای غلبه بر این موقعیت دشوار است. بعضی از این شرایط عیناً در یکی از پرونده‌های مهم آمریکا eBay Inc. v. MercExchange L.L.C در سال 2006 تکرار شده که در نظر پاره‌ای محققان گویای آن است که رویه قضایی و دکترین در شرایط استثنایی، لیسانس اجباری را طریقی برای مواجهه با امتناع غیرموجه از اعطای لیسانس می‌دانند. دیوان عالی آمریکا در این پرونده که موضوع آن مربوط به استفاده بدون اخذ لیسانس از یک اختراع بود، ضمن تعیین خسارت، از صدور قرار منع دائمی ناقض حقوق انحصاری امتناع ورزید. این اقدام از سوی پاره‌ای حقوق‌دانان، تعبیر به نوعی لیسانس اجباری شد؛ در حالی که تحلیل موضوع حاکی از آن بود که دادگاه به این ترتیب قصد صدور لیسانس اجباری را نداشته، اما به جهت دیگری، در صدد محدود کردن متناسب حقوق انحصاری دارنده برآمده است. در حقیقت در این قضیه صدور دستور منع دائم متجاوزان به حقوق اختراع، منوط به اثبات شرایطی از سوی دارنده اختراع شد: اثبات غیرقابل جبران بودن ضرر وارده، عدم کفایت طرق جبران خسارت قانونی، سنگین تر بودن جانب موازنه میان منافع طرفین به سود دارنده اختراع و اقتضای منافع عمومی در منع دائمی. دیوان در تحلیل موضوع بر این اعتقاد بود که در چنین وضعیتی، منافع عمومی بر حقوق دارنده مقدم است؛ بنابراین شخصی که مذاکراتش برای اخذ مجوز بهره‌برداری با مالک دارای فکری به نتیجه نرسیده و عملاً از آن استفاده می‌کند، می‌تواند اثبات نماید که یکی از این شروط محقق نشده یا از دادگاه بخواهد در مقابل پرداخت غرامتی متناسب، اجازه استفاده از اختراع را به وی طی یک حکم

1- Rambus, Inc., Docket No. 9302, Opinion of the Commission on Remedy (Feb. 5, 2007), Available at <http://www.ftc.gov/os/adjpro/d9302/index.htm>.

اعلامی بدهد. به دنبال انتشار این تصمیم و در موارد معدودی، یکی از تدابیری که از سوی محاکم تالی¹ در برابر اقدامات خواننده اتخاذ شده است، صدور مجوز اجباری به همراه تعیین حق امتیازی متعارف بوده است. (Nguyen, 2010: 109-12) در حقیقت رأی دیوان مسیر صدور مجوزهای اجباری را که پیش از این محاکم آمریکا مطابق رهیافت‌های جاری در نظام حق اختراعات از توسل به آن کراهت داشتند، تا حدود کمی باز کرده است؛ اما صرف نظر از عدم اقبال عمومی به آن، تثبیت این ابزار کنترلی در قامت راهکاری مؤثر، مستلزم تغییر بنیادین نگرش‌های رقابتی و گذر زمان می‌باشد. (Ibid: 118)

در نقطه مقابل، مراجع اتحادیه اروپا در پی اعمال دکترین تسهیلات ضروری و شرایط استثنایی در صدور لیسانس اجباری درنگ و تردید نکرده‌اند. برای مثال می‌توان به پرونده National Data Corp. v. NDC Health در سال 2004 اشاره کرد که مرجع ذیصلاح در مقابل اقدام خواننده به خودداری از دادن لیسانس و ایجاد مانع برای ورود و حضور رقبا در بازار، از طریق صدور لیسانس اجباری واکنش نشان داد. (Slaugheter, 2012: 16-17). در آخرین رهیافت اتحادیه اروپا، در پاراگراف 10 مقرره مربوط به «همکاری در زمینه یکنواخت‌سازی حمایت از اختراعات» که در سال 2012 به تصویب رسیده است،² لیسانس اجباری به رسمیت شناخته شده که از سوی صاحب‌نظران، اجرای آن نسبت به امتناع یک‌جانبه ضد رقابتی با توجه به سابقه موضوع، موجه می‌نماید. (Peterson et al, 2014: 7-10)

گفتار چهارم: رویکرد حقوق ایران نسبت به امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس

مبحث اول - تحلیل ضد رقابتی بودن امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس

در حقوق ایران به دلیل آنکه مسئله امتناع یک‌سویه از اعطای لیسانس، فاقد سابقه خاص و مفصلی در حیطه تقنینی و ادبیات حقوقی است، علی‌رغم وجود مقررات جدید، موضوع هنوز در

1- Finisar Corp. v. DirecTV Group, Inc., 2006 WL 2037617 (E.D.Tex. 7 July 2006) (Final Judgment), affirmed in part, reversed in part, and remanded, 523 F.3d 1323 (Fed. Cir. 2008).

2- Regulation (EU) No 1257/2012 of the European Parliament and of the Council of 17 December 2012 implementing enhanced cooperation in the area of the creation of unitary patent protection, pp. 7-8.

هاله‌ای از ابهام قرار دارد که مستلزم روشن‌گری می‌باشد. در تحلیل اولیه، با عنایت به اصل تسلیط و حقوق انحصاری قانونی دارنده اختراع، باید وی را در عدم واگذاری مجوز بهره‌برداری به دیگران آزاد دانست، اما نوع رهیافت‌های رقابتی قانون، پذیرش این تحلیل را مشکل می‌سازد:

ماده 44 قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 مقرر می‌دارد: «هرگونه تبانی از طریق قرارداد، توافق و یا تفاهم (اعم از کتبی، الکترونیکی، شفاهی و یا عملی) بین اشخاص که یک یا چند اثر زیر را به دنبال داشته باشد، به‌نحوی که نتیجه آن بتواند اخلال در رقابت باشد، ممنوع است». در نگاه نخست از بند 7 ماده مزبور که «محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد، توافق یا تفاهم به بازار» را منع نموده و همچنین از بند 2 که «محدود کردن یا تحت کنترل درآوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت در بازار» را مجاز نمی‌داند، با تفسیری موسع، می‌توان ممنوعیت عدم اعطای لیسانس را استنباط کرد؛ چراکه اجتناب از دادن مجوز سبب می‌شود تا دسترسی اشخاص به بازار و تولید محصولات نوآورانه با به‌کارگیری اختراع مزبور با مانع مواجه شده یا میزان تولید کاهش یابد؛ اما این تعبیر صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که از صدر ماده هویداست، این اعمال نتیجه توافق میان اشخاص است که رقابت را از مسیر منصفانه خود خارج می‌سازد؛ درحالی که امتناع از اعطای لیسانس، به نحو یک‌جانبه محقق شده و مبتنی بر تبانی با دیگران نیست و در حقیقت نوعی فعل منفی (ترک فعل) قلمداد می‌گردد که در شمول مقررات مزبور قرار نمی‌گیرد. لذا تحلیل موضوع را باید در چارچوب ماده 45 که دربردارنده مباحث اعمال یک‌جانبه و سوءاستفاده از موقعیت مسلط است، پی گرفت که سه قسمت آن مرتبط با مسئله امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس می‌باشد:

1) ماده 45 قانون اشعار می‌دارد که: «اعمال ذیل که منجر به اخلال در رقابت می‌شود، ممنوع است:

و در قسمت 1 بند الف ذیل عنوان احتکار و استنکاف از معامله «استنکاف فردی یا جمعی از انجام معامله...» را ممنوع می‌داند. خودداری از دادن لیسانس می‌تواند به‌نوعی استنکاف فردی از انجام معامله تعبیر شود. استنکاف ممکن است بدون سوءاستفاده از موقعیت مسلط صورت گیرد که مطابق ظاهر ماده همواره باعث اخلال در رقابت شده و به‌صورت مطلق باید آن را ممنوع شمرد. درحالی که ناگفته پیدا است که باید از این ظاهر گذشت؛ زیرا بعید می‌نماید که قانون هرگونه امتناع از اعطای لیسانس دارایی‌های فکری را ممنوع بداند، بلکه در صورت احراز اخلال در

رقابت، ممنوعیت موجه خواهد بود و رویکرد قانون را باید حمل بر مسامحه نمود؛ به این ترتیب، نوع رهیافت ماده مزبور در مطابقت با رویه‌ی اتحادیه اروپاست که صرف «احتمال معقول» لطمه به موازین رقابتی را دلیل کافی برای مقابله با امتناع می‌داند؛ به علاوه همانند حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا، مقررات مزبور قصد دارنده را به هیچ‌وجه در ارزیابی موضوع دخالت نداده و اساساً به آن اشاره ننموده‌اند. همچنین اگرچه قانون موارد مربوط به سوءاستفاده بنگاه مسلط را در بند (ط) گردآورده و ظاهراً این نوع استنکاف از شمول موضوع خارج است، ولی پذیرش آنکه بنگاهی که در موقعیت برتر تجاری قرار ندارد با امتناع یک‌طرفی از انجام معامله و اعطای لیسانس بتواند اختلالی در رقابت به وجود آورد، دشوار می‌نماید؛ به همین دلیل در عمل حکم مزبور منحصر به این دست بنگاه‌ها خواهد شد. به تعبیر روشن‌تر، شخصی که به واسطه در اختیار داشتن اختراعی که نقشی حیاتی در بازار ایفا می‌کند و می‌تواند با خودداری از اعطای مجوز به دیگران، فضای رقابتی را تحت الشعاع تصمیمات خود سازد، در حقیقت در موقعیت مسلط قرار داشته و یک بنگاه عادی محسوب نمی‌شود.

2) بند ط ماده 45 تحت عنوان سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط و در قسمت 4 «یجاد مانع به منظور مشکل کردن ورود رقبای جدید یا حذف بنگاه‌ها یا شرکت‌های رقیب در یک فعالیت خاص» را ممنوع شمرده است. با قدری مسامحه می‌توان مدعی شد که خودداری از اعطای لیسانس در حالتی که منجر به حذف رقبا از بازار شود یا ورود آن‌ها را به فضای رقابت با مانع جدی مواجه سازد، مصداقی از اعمال ضد رقابتی محسوب می‌گردد.

3) مستند سوم بحث، به قسمت 3 بند ط ماده 45 بازمی‌گردد که «تحدید مقدار عرضه و یا تقاضا به منظور افزایش یا کاهش قیمت در بازار» را ممنوع بر شمرده است. هرچند به باور برخی نویسندگان، این مقرره منحصر به موارد عرضه کالاهاست و تعمیم آن به حوزه مالکیت‌های فکری دشوار می‌نماید؛ به علاوه نمی‌توان تحدید را معادل امتناع قلمداد کرده و قائل به ضد رقابتی بودن آن در گستره این ماده شد؛ به فرض پذیرش چنین وضعیتی، تنها زمانی احتمال دارد که این امر مصداق سوءاستفاده از موقعیت مسلط به شمار آید که به هدف افزایش یا کاهش قیمت صورت گیرد. به این ترتیب، در باور این محققان از مقرره مذکور چنین استنباط می‌شود که صرف امتناع از صدور مجوزهای بهره‌برداری را نمی‌توان به عنوان سوءاستفاده از موقعیت مسلط محکوم کرد و بر این اساس دیدگاه ماده مزبور شبیه رهیافت حقوق آمریکاست که امتناع یک‌جانبه غیرمشروط از

اعطای لیسانس را به هیچ وجه ضد رقابتی نمی‌پندارد. (جعفرزاده و ناطق نوری، 1391: 78) به نظر می‌رسد پذیرش این تفسیرها دشوار باشد:

نخست اینکه به صورت کلی، رویکرد قانون در معرفی رویه‌های ضد رقابتی ناظر به موارد اغلب، یعنی حوزه کالاها و خدمات می‌باشد و در مقررات مزبور در هیچ کجا به صراحت نامی از مالکیت‌های فکری برده نشده است؛ اما در ماده 51 اشاره شده که مفاد مواد 44 تا 48 نسبت به دارایی‌های فکری نیز قابل اعمال است. به این ترتیب، منحصر دانستن قسمت 3 بند ط ماده 45 به قلمرو کالاها و جهی ندارد؛

دوم اینکه مقرر مذکور می‌تواند ناظر به موردی باشد که برای مثال دارنده اختراع تنها با یک بنگاه قرارداد لیسانس منعقد نموده، ولی از سایرین که احتیاج می‌برم و مشابهی به فناوری دارند، دارایی فکری خود را دریغ می‌کند و در حقیقت بدین طریق دسترسی به آن را محدود می‌سازد. دیوان عالی آلمان در رأیی به صورت تلویحی بر این موضوع صحه گذاشته که ممکن است ضد رقابتی انگاشتن خودداری از دادن مجوز بهره‌برداری، نتیجه سوءاستفاده از جایگاه مسلط و اعمال تبعیض میان متقاضیان باشد؛ (Peterson et al, 2014: 4)

سوم آنکه از مفاد این قسمت بر نمی‌آید که قانون خواسته باشد امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس را به هیچ طریقی مصداقی از سوءاستفاده از موقعیت مسلط به شمار نیاورد؛ چرا که ممکن است مقصود دارنده اختراع از تحدید دسترسی به آن، تأثیر گذاری بر قیمت کالاها تولید شده با استفاده از آن و اثر گذاری بر بازارهای پایین دستی باشد. به خصوص، تأمل در سایر مواد به خوبی مبین مقصود واقعی قانون است که استتکاف از معامله و ایجاد مانع برای ورود رقبای بازار را در صورتی که متضمن اخلال در رقابت باشد، بر نمی‌تابد. بر این اساس، رویکرد حقوق ایران مسلماً با دیدگاه حقوق آمریکا همسو نیست و به رویه اتحادیه اروپا نزدیک‌تر می‌نماید؛ اما دشواری در اینجا است که در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 برخلاف موضع دقیق و مفصل حقوق اتحادیه اروپا، شاخص‌های روشنی برای ضد رقابتی انگاشتن امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس ارائه نشده است. هر چند در نظر برخی محققان شاید رعایت همه شرایط مربوط به ضد رقابتی انگاشتن امتناع از اعطای لیسانس که در حقوق اتحادیه اروپا مطرح شده با لحاظ شرایط خاص کشورمان ضروری نباشد (Jafarzadeh & Nategh Nori, 2011: 82) ولی به نظر می‌رسد معیارهای مزبور یک چارچوب حداقلی را ترسیم می‌کند که برقراری تعادل و موازنه میان نظام‌های حقوق رقابت و

حقوق مالکیت فکری در گرو احراز آن‌هاست. البته افزودن شرایط دیگری به این موارد حداقلی که متناسب با فضای خاص فناوریانه، اقتصادی و رقابتی کشورمان باشد، موجه بوده و منعی ندارد؛ امری که بی‌تردید نیازمند هدف‌گذاری کلان و جزئی‌مراجع ذیصلاح و مداخله جدی و تدوین دقیق دستورالعمل‌ها و انتشار اصول راهنمای مرتبط است که به شفاف ساختن فضای رقابتی و ارتقاء جریان نوآوری مساعدت شایانی خواهد کرد.

مبحث دوم - ضمانت اجرا

با توجه به اطلاق و عموم مواد قانونی تردیدی باقی نمی‌ماند که امتناع یک‌جانبه قابلیت آن را دارد تا در قامت یک اقدام ضدرقابتی جلوه‌گری کند؛ اما چه ابزارهایی برای مقابله با آن در حقوق ایران وجود دارد؟ ماده 51 قانون اظهار می‌دارد: «حقوق و امتیازات انحصاری ناشی از مالکیت فکری، نباید موجب نقض مواد (44) تا (48) این قانون شود، در این صورت شورای رقابت اختیار خواهد داشت یک یا چند تصمیم زیر را اتخاذ کند:

الف) توقف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری؛ ب) منع طرف قرارداد، توافق یا مصالحه مرتبط با حقوق انحصاری از انجام تمام یا بخشی از شرایط و تعهدات مندرج در آن؛ ج) ابطال قراردادها، توافق‌ها یا تفاهم مرتبط با حقوق انحصاری در صورت مؤثر نبودن تدابیر موضوع بندهای «الف» و «ب» این ماده». ضمانت اجراهای مقرر در بندهای (ب) و (ج) در خصوص امتناع از اعطای لیسانس، محتملی پیدا نمی‌کنند؛ زیرا این نوع استنکاف از رهگذر قرارداد یا تفاهم محقق نمی‌شود تا شورای رقابت با منع طرف قرارداد از انجام همه یا بخشی از تعهدات یا ابطال قرارداد درصدد مقابله با آثار ضدرقابتی آن برآید. در بند الف) نیز باید منظور از «توقف فعالیت» را روشن ساخت. به باور برخی صاحب‌نظران از عبارت «توقف فعالیت» به‌طور ضمنی امکان صدور لیسانس اجباری برمی‌آید. (Jafarzadeh & Nategh, 2011: 76) اما به نظر می‌رسد که ظاهراً ماده ناظر به موقعیتی است که فعالیت ضدرقابتی «یجایی» رخ داده و شورای رقابت برای مقابله با آن دستور توقف رویه محل رقابت را می‌دهد، در حالی که امتناع از اعطای لیسانس، خود امری «سلبی» است و متوقف ساختن آن بی‌معناست. به‌علاوه حتی اگر از این ظاهر بگذریم، متوقف ساختن، ملازمه‌ای با تجویز لیسانس اجباری ندارد و در این ماده اساساً اشاره‌ای به لیسانس اجباری که ضمانت اجرایی استثنایی قلمداد می‌شود، نشده

است. احتمال قابل طرح دیگر آن است که منظور، متوقف ساختن فعالیت‌های تجاری شخصی است که از این طریق سبب لطمه به فضای رقابتی بازار خاصی می‌شود. بر این اساس تحدید حقوق انحصاری و کاهش بازه زمانی حمایت از دارنده اختراعی که با امتناع نامشروع از اعطای لیسانس موجب اخلال در رقابت می‌شود، امکان‌پذیر بوده و به‌عنوان ضمانت اجرایی تا حدودی مؤثر قابل اعمال است؛ اما باید توجه داشت که این ضمانت اجرا شاید به‌تنهایی نتواند اهداف موردنظر قانون را در مقابله با استتکاف از اعطای لیسانس به نحو مطلوبی محقق سازد؛ چراکه احتمال دارد محدود شدن حق، منفعتی نصیب رقبایی که نیاز مبرمی به اختراع برای انجام فعالیت‌های خود دارند، نکرده و آن‌ها را در وضعیت نامطلوب خود - بدون هیچ مساعدتی - رها نماید و به‌این ترتیب، این امر محتمل است که دارنده حق اختراع به یک بازی «باخت - باخت» تن دهد که نه به مصلحت خود و نه به سود منافع سایر فعالان بازار باشد. راه‌حل مناسب‌تر، الزام وی به اعطای لیسانس است که از این مواد قابل استنباط نیست. به‌این ترتیب راه‌حل مسئله را باید در جای دیگری جستجو کرد و از ظرفیت مناسب ماده 17 قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری بهره گرفت: بند الف ماده مزبور، در این خصوص مقرر می‌دارد در مواردی که بهره‌برداری از سوی مالک یا شخص مجاز از سوی او «مغایر با رقابت آزاد بوده»، امکان صدور مجوز اجباری وجود دارد؛ همچنین بند ب که اشعار داشته کمیسیون پس از رسیدگی به اظهارات مالک اختراع و ذینفعان و «لحاظ کردن بهره‌برداری در فعالیت‌های غیررقابتی» اتخاذ تصمیم خواهد کرد و لیسانس اجباری صادر می‌کند. ممکن است تصور شود از منظر قانون، بهره‌برداری و استفاده از اختراعات در صورتی که مغایر با رقابت آزاد باشد، به صدور مجوزهای اجباری منجر خواهد شد؛ درحالی‌که استتکاف از اعطای لیسانس نوعی ترک فعل است و با مفهوم بهره‌برداری که نوعی اقدام و کنش مثبت را به ذهن متبادر می‌کند، ناسازگار می‌نماید. به‌خصوص که این تفسیر همسو با مقوله استثنایی بودن لیسانس اجباری نیز می‌باشد؛ اما با تأملی عمیق‌تر معنای دیگری نیز از این ماده قابل استنباط بوده و موضوع را باید از زوایا دیگری نیز نگریست: هنگامی که با جمع شرایط و به نحو غیرموجهی دارنده اختراع از واگذاری لیسانس به دیگران طفره می‌رود و بهره‌برداری از اختراع را تنها به خود منحصر می‌کند یا اینکه بهره‌برداری از آن را محدود به یک لیسانس‌گیرنده کرده و تقاضای سایرین که نیاز مبرمی به فناوری دارند را بدون دلیل موجه رد می‌کند، می‌توان قائل بر این شد که این نوع استفاده از اختراع که همراه با منع ضمنی دیگران در بهره‌گیری از مزایای اختراع

می‌باشد، در تنافی با رقابت آزاد است و لذا صدور لیسانس اجباری برای مقابله با این اقدام ضد رقابتی موجه و بلکه ضروری می‌نماید.

افزون بر این، صدور لیسانس اجباری در شرایط دیگری نیز میسر است: مطابق بند ح ماده 17 قانون مزبور، صدور لیسانس اجباری «در صورتی که در یک گواهی‌نامه اختراع ادعا شده باشد که بدون استفاده از یک اختراع ثبت شده قبلی قابل بهره‌برداری نیست و اختراع مؤخر نسبت به اختراع مقدم، متضمن پیشرفت مهم فنی و دارای اهمیت اقتصادی قابل توجه باشد»، صدور مجوز بهره‌برداری اجباری مجاز است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد با توجه به ارزش قابل اعتنا و مهم اختراع مؤخر که به کارگیری آن مستلزم اخذ مجوز از دارنده اختراع پایه است، منافع جامعه اقتضا می‌کند تا در صورت عدم اعطای لیسانس، مجوز اجباری صادر شود. بر این اساس، مبنای موجهه صدور لیسانس اجباری، حفظ مصالح عمومی از طریق تداوم بخشیدن به جریان نوآوری است و به نحوی قابل مقایسه با این شرط در نظریه تسهیلات ضروری است که امتناع مانع از ظهور محصولات جدید یا پیشرفت فناورانه شده و به ضرر مصرف‌کنندگان باشد؛ ولی ماده مزبور صراحتاً اشاره‌ای به احراز سایر شرایط، به خصوص لطمه به ساختارهای رقابتی بازار ندارد و به نظر می‌رسد رهیافت آن بیشتر از اینکه مستقیماً دغدغه حمایت از رقابت را داشته باشد، در صدد رفع موانع بر سر ارتقاء و گسترش نوآوری‌هاست که آن را از رویکرد حقوق اتحادیه اروپا متمایز می‌سازد. شایان ذکر است که تصمیم‌گیری در خصوص ضد رقابتی بودن امتناع و صدور لیسانس اجباری در چنین شرایطی به عهده «کمیسیون» خاصی که اعضای آن در بند الف ماده 17 معرفی شده‌اند، گذاشته شده است، در حالی که اعمال ضمانت اجرای مقرر در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44، از وظایف «شورای رقابت» محسوب می‌شود.

به طور کلی تجویز دسترسی به اختراعات از طریق لیسانس اجباری به خصوص در مواردی که فناوری به «استاندارد» بازار مبدل شده برای کشورمان که در تعاملات تجاری بین‌المللی غالباً در مقام متقاضی و لیسانس‌گیرنده قرار دارد، به مصلحت نزدیک‌تر بوده و به توسعه جریان نوآوری و رونق فعالیت‌های اقتصادی مساعدت و افری می‌کند (Jafarzadeh & Nategh Nori, 2011: 81) اما نباید از خاطر دور داشت که در تجارت داخلی گشاده‌دستی در صدور لیسانس اجباری وجهی ندارد و باید معیارهای دقیق و اصولی که ذکر آن در رویه اتحادیه اروپا رفت را اساس عمل قرار داد و پس از حصول اطمینان از جمع شرایط، مبادرت به تحدید حقوق انحصاری دارنده اختراع

کرده و به صدور لیسانس اجباری اقدام نمود؛ چرا که در سال‌های اخیر، در مقایسه با گذشته، سوبیه سیاست‌های کلی بر حمایت افزون‌تر از دارایی‌های فکری، فعالیت‌های تحقیق و توسعه و تسهیل بستر فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان و شتاب بخشیدن به فرایند نوآوری‌ها قرار گرفته است؛ برای نمونه ابلاغ «سیاست‌های کلی علم و فناوری» در شهریور 1393 که به‌ویژه در بخش‌های 5 و 6 سند بر حمایت از مالکیت‌های فکری و تجاری‌سازی دستاوردهای فکری و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان تأکید می‌ورزد، گواهی بر این ادعاست. از این رو با ممانعت از صدور بی‌دلیل و غیرموجه لیسانس اجباری جز در مواردی که منافع عمومی اقتصادی اقتضا می‌کند، می‌توان انگیزه‌های نوآوری را تداوم بخشید. با همین دغدغه، اگر توسعه جدی نوآوری‌ها در گرو دستیابی ضروری به فناوری‌های دیگران باشد، در به‌کارگیری این ابزار نباید درنگ کرد.

نتیجه‌گیری

بی‌تردید یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین نقاط تلاقی حقوق رقابت و حقوق مالکیت‌های فکری که مفهوم انحصار را معنای تازه‌ای بخشیده، مقوله امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس است. اگرچه نمی‌توان کنترل و تسلط انحصاری دارنده اختراع بر مایملک خود و اختیار وی در ورود به معامله با دیگران و اعطای مجوز بهره‌برداری به آن‌ها را انکار کرد، ولی نباید چنین اختیاری را مطلق انگاشت و هرگاه منافع عمومی اقتصادی و مصالح رقابتی اقتضا کند، خدشه در اعتبار چنین اقدامی امکان‌پذیر است؛ چرا که دارنده اختراع به‌قدر کفایت از مزایای حقوق انحصاری خود بهره‌مند می‌شود، در حالی که اعطای این حقوق در خدمت تحقق مصالح اجتماعی است و محروم کردن بی‌جهت بنگاه‌هایی که به‌منظور دستیابی به محصولات نوآورانه و توسعه رقابت بدان احتیاج مبرمی دارند، در تنافی با این مقصود قرار می‌گیرد و لذا باید از حمایت بی‌چون‌وچرا از مالک اختراع در چنین شرایطی دست‌شست. به تعبیر دیگر، الزام دارنده حق اختراع مبنی بر اعطای لیسانس، به اشاعه نوآوری مساعدت شایانی کرده و جریان رقابت مشروع را قوت می‌بخشد؛ بنابراین دیدگاه غالب حقوق رقابت آمریکا که علی‌رغم صحت گذاشتن ضمنی بر بیم حقوق رقابت از پیامدهای ناگوار استنکاف از اعطای لیسانس، مقاومت سختی در برابر ضرورت اعمال ضمانت اجراها می‌کند، قابل انتقاد به نظر می‌رسد و از همین روست که تحرکات حقوقی اخیر مبین

کوشش حقوق‌دانان و رویه قضایی در محدود کردن آزادی دارنده حق اختراع در عدم اعطای لیسانس دارد؛ هرچند که این تلاش‌ها تاکنون به نتایج ملموس و مورد انتظاری نائل نشده است.

اگرچه نظریه‌های تسهیلات ضروری و شرایط استثنایی هنوز به‌طور کامل در مسیر روشن‌گری مسئله موفق نبوده و مخالفان در کارایی آن‌ها مناقشه کرده‌اند، باوجود این در حال حاضر رهیافت‌های مناسبی هستند که عموماً مورد استناد قرار گرفته و علی‌رغم کاستی‌هایی که در بردارند، به اتکا آن‌ها می‌توان به معیارهایی برای ارزیابی ضد رقابتی بودن امتناع یک‌جانبه از اعطای لیسانس دست یافت. البته به نظر می‌رسد نظریه‌های مزبور تا حدودی با تئوری سوءاستفاده از موقعیت مسلط، هم‌پوشانی دارد و در موارد زیادی می‌توان خودداری از اعطای لیسانس اختراع را در شمار مصادیق سوءاستفاده از موقعیت مسلط دانست.

شایان‌ذکر است که حتی در اعمال نظریه‌های یادشده باید محتاطانه عمل کرده و علاوه بر احراز معیارهای تثبیت‌شده، اوضاع و احوال خاص هر قضیه و شرایط ویژه بازار خصوصاً اثری که امتناع یک‌جانبه بر ترویج و توسعه نوآوری به‌عنوان هدف مشترک حقوق رقابت و مالکیت فکری می‌گذارد را ملحوظ داشت.

در حقوق ایران نیز این ظرفیت در قواعد قانونی وجود دارد تا با امتناع یک‌سویه از واگذاری مجوز بهره‌برداری که در رقابت اخلاص ایجاد می‌کند، مقابله کرد. در قواعد قانونی علاوه بر صدور مجوزهای اجباری، تحدید حقوق انحصاری مخترع - که کمتر در حقوق آمریکا و اتحادیه اروپا مورد عنایت بوده است - می‌تواند تمهیدی مناسب برای تحت فشار قرار دادن دارنده اختراعی باشد که به هدف اخلاص در رقابت و بدون دلیل موجهی، مانع از توسعه ابداعات شده و از اعطای لیسانس به بنگاه‌هایی که بدان نیاز اساسی دارند، دریغ می‌ورزد. حتی می‌توان قائل به جمع ضمانت اجراهای لیسانس اجباری و تحدید حقوق انحصاری شد؛ زیرا مرجع صادرکننده لیسانس اجباری مطابق بند ح ماده 17 به قصد رفع موانع توسعه ابداعات مبادرت به این عمل می‌کند، درحالی‌که شورای رقابت به هدف محو رویه‌های ضد رقابتی، حقوق انحصاری را محدود می‌سازد.

اما دشواری در فقدان معیارهای قطعی و نگرش مطلق‌گرای مواد قانونی است. در چنین وضعیتی که مقررات ابهام‌زا بوده و شاخص روشنی به دست نمی‌دهند، موضوع چگونگی احراز ضد رقابتی بودن این اقدام و اعمال ضمانت اجراها - بی‌آنکه دارنده اختراع و متقاضیان لیسانس از حقوق و تکالیف خود مطلع باشند - تحت الشعاع برخوردهای سلیقه‌ای و شاید دور از اصول مراجع

ذی‌ربط واقع خواهد شد که روند نوآوری را نیز متأثر ساخته و از کارایی حقوق رقابت خواهد کاست. از این رو شایسته است، ضوابط مزبور با توجه به تجربیات اتحادیه اروپا و رهیافت‌های موافق در حقوق آمریکا دقیقاً تدوین، تبیین و اعلام شود.

References

- [1] Gleklen, Jonathan. (2012). ANTITRUST LIABILITY FOR UNILATERAL REFUSALS TO LICENSE INTELLECTUAL PROPERTY: XEROX AND ITS CRITICS, Available at: www.ftc.gov/opp/intellect/020501gleklen.pdf.
- [2] American Bar Association. (2010). The Federal Antitrust Guidelines for the Licensing of Intellectual Property, USA: American Bar Association.
- [3] Bagheri, Mahmood, Abbasi, simin. (2012). Competition policy and intellectual property rights, Privacy Policy Studies Journal, Volume 42, No. 3, Fall, pp. 59-74. (In Persian)
- [4] Brown, A. E. L.(2013). Intellectual Property, Human Rights and Competition: Access to Essential Innovation and Technology, USA: Edward Elgar Publishing.
- [5] Carol, Nielsen M., Samardzij, Michael R. (2007). COMPULSORY PATENT LICENSING: IS IT A VIABLE SOLUTION IN THE UNITED STATES, Michigan Telecommunications and Technology Law Review, Vol. 13, Available at: <http://www.mtlr.org/volthirteen/nielsen&samardzija.pdf>
- [6] Cass, Ronald A., Hylton, Keith N. (2013). Laws of Creation: Property Rights in the World of Ideas, USA: Harvard University Press.
- [7] Christophe, Humpe & Ritter, Cyril. (2005). Refusal to deal, Global Competition Law Center Research Paper, College of Europe.
- [8] Colston, Catherine, Galloway, Jonathan. (2010). Modern Intellectual Property Law, UK: Routledge.
- [9] Couter, Yves Van , Vanbrabant, Bernard. (2008). License Agreements, Competition and the Internal Market, Belgium: Larcier.
- [10] Czapracka, Katarzyna. (2009). Intellectual Property and the Limits of Antitrust: A Comparative Study of US and EU Approaches, UK: Edward Elgar Publishing.
- [11] Denicolo, Vincenzo, Franzoni, Luigi Alberto. (2012). Weak Intellectual Property Rights, Research Spillovers, and the Incentive to Innovate, American Law and Economics Review, V. 14, N. 1. pp. 111- 140.
- [12] Dinwoodie, Graeme B. (2008). Trademark Law and Theory: A Handbook of Contemporary Research, UK: Edward Elgar Publishing.
- [13] Ebrahimi, Seyed Nasrollah, Jafari Chaleshtori, Mahmood. (2015). LEGAL ANALYSIS OF MONOPOLY AND COMPETITION IN THE ENERGY MARKET, WITH EMPHASIS ON GAS AND ELECTRICITY INDUSTRIES: CHALLENGES AND OPPORTUNITIES, Privacy Policy Studies Journal, Volume 45, No. 3, Fall, pp. 361-378.(In Persian)

- [14] Eleanor M., Fox. (2007). Monopolization, Abuse of Dominance, and Refusal to License Intellectual Property to Competitors, Do Antitrust Duties Help or Hurt Competition and Innovation? How Do We Know, European Competition Law Annual 2005, UK: Oxford PORTLAND OREGON.
- [15] Ezrachi, Ariel, Mariateresa Maggolino. (2012). EUROPEAN COMPETITION LAW, COMPULSORY LICENSING, AND INNOVATION, Journal of Competition Law & Economics, 8(3). pp. 595–614.
- [16] Gleklen, Jonathan. (2002). Per se Legality for Unilateral Refusal to License is Correct as Matter of Law and Policy, Available at: http://www.americanbar.org/content/dam/aba/publishing/antitrust_source/gleklen.authcheckdam.pdf.
- [17] Govaere, Inge., Ullrich, Hanns. (2007). Intellectual Property, Public Policy and International Trade, Belgium: Peter Lang.
- [18] Hagenfeldt, Veronica. (2011). EC Competition Law - The Essential Facilities Doctrine, Germany: GRIN Verlag.
- [19] Haracoglou, Irina. (2008). Competition Law and Patents, UK: Edward Elgar Publishing.
- [20] Hilty, Reto & Liu, Kung-Chung. (2014). Compulsory Licensing, Germany: Springer Berlin Heidelberg.
- [21] Jafari Chaleshtori, Mahmood. (2015). Analysis of Legal Regime Governing Patents pool Agreement, Thesis for Master in International commercial and Economic law, Tehran University. (In Persian)
- [22] Jafarzadeh, Mir Ghasem. , Soudeh, Nategh Nori. (2011). Competitive analysis refusal to license of rights of intellectual creations, Journal of Legal Studies, No. 60, pp. 41-91. (In Persian)
- [23] Jafarzadeh, Mir Ghasem., Rahbari, Ebrahim. (2011). Competitive analysis of suspected limitations licensing, Journal of Legal Studies, No. 55, pp. 91-213. (In Persian)
- [24] Kokkoris, Ioannis , Lianos, Ioannis . (2010). The Reform of EC Competition Law: New Challenges, Netherlands: Kluwer Law International.
- [25] Kur, Annette. (2011). Intellectual Property Rights in a Fair World Trade System: Proposals for Reform of Trips, UK: Edward Elgar Publishing.
- [26] Kurt, M. Saunders. (2002). PATENT NONUSE AND THE ROLE OF PUBLIC INTEREST AS A DETERRENT TO TECHNOLOGY SUPPRESSION, Harvard Journal of Law & Technology, Volume 15, N. 2. pp. 2-64.
- [27] Lennon, Michael J. (2007). Drafting Technology Patent License Agreements, USA: Aspen Publishers Online.
- [28] Marina, Lao. (2000). UNILATERAL REFUSALS TO SELL OR LICENSE INTELLECTUAL PROPERTY AND THE ANTITRUST DUTY TO DEAL, CORNELL JOURNAL OF LAW AND PUBLIC POLICY, Vol. 9. pp. 193-223.
- [29] Marsden, Philip. (2006). Handbook of Research in Trans Atlantic Antitrust,

- USA: Edward Elgar Publishing.
- [30] Max Planck Institute. (2009). *Studies on Intellectual Property, Competition and Tax Law, Patents and Technological Progress in a Globalized World*, Germany: Springer,
- [31] Meléndez-Ortiz, Ricardo , Roffe, Pedro. (2009). *Intellectual Property and Sustainable Development*, UK: Edward Elgar Publishing.
- [32] Monti, Giorgio (2007). *EC Competition Law*, UK: Cambridge University Press.
- [33] Motta, Massimo. (2004). *Competition Policy: Theory and Practice*, UK: Cambridge University Press
- [34] Nguyen, Tu Thanh. (2010). *Competition Law, Technology Transfer and the TRIPS Agreement*, USA: Edward Elgar Publishing, Inc.
- [35] Osterud, Eirik. (2010). *Identifying Exclusionary Abuses by Dominant Undertakings Under EU Competition Law*, Netherland: Kluwer Law International.
- [36] Pace, Lorenzo Federico. (2011). *European Competition Law: The Impact of the Commission's Guidance on Article 102*, UK: Edward Elgar Publishing.
- [37] Park, Jae Hun. (2010). *Patents and Industry Standards*, UK: Edward Elgar Publishing.
- [38] Petersen, Clement et al, *The Unified Patent Court (UPC). Compulsory Licensing and Competition Law*, 2014; Available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2489006.
- [39] Rahbari, Ebrahim. (2013). *Technology transfer law*, Samt, Tehran. (In Persian)
- [40] Roffe, Pedro, Tansey, Geoff. (2012). *Negotiating Health: Intellectual Property and Access to Medicines*, UK: Earthscan.
- [41] Sergio, Baches Opi. (2001). *The Application of the Essential Facilities Doctrine to Intellectual Property Licensing in the European Union and the United States: Are Intellectual Property Rights Still Sacrosanct*, *Fordham Intell. Prop. Mediaand Ent. L. J.*, Vol. 11, pp. 412- 505.
- [42] Slaughter & May. (2012). *The EU Competition Rules on Intellectual Property Licensing*, Available at: www.slaughterandmay.com/.../the-eu-competition-rules-on-intellectual-property-licensing.pdf.
- [43] Sokol, D, Lianos, Ioannis. (2012). *The Global Limits of Competition Law*, USA: Stanford University Press.
- [44] Stothers, Christopher. (2007). *Parallel Trade in Europe: Intellectual Property and Competition Law*, USA: Hart Publishing.
- [45] Takag, Yoi, Allman, Larry, (2008). *Teaching of Intellectual Property: Principles and Methods*, UK: Cambridge University Press.
- [46] Wilkof, Neil, Bashee, Shamnad. (2012). *Overlapping Intellectual Property Rights*, UK: Oxford University Press.